



## جایزه بهترین بازیگر جشنواره آمریکایی به «خانه بخت» رسید

شاعر، نویسنده و منتقد ادبی:

## شعرهای سیاسی «آتشی» رنگ و بوی شعر دارد تا شاعر

یک شاعر، نویسنده و منتقد ادبی گفت: شاعری همچون منوچهر آتشی به این دلیل قابل ارزش‌گذاری است که شعرهای سیاسی‌اش هم بیشتر رنگ و بوی شعر دارد تا شاعر.

رضا معتمد به مناسبت سالروز کوچ منوچهر آتشی در گفت‌وگو با ایسنا با بیان اینکه او از شاعران معاصر تر از اول کشور است، اظهار کرد: اگر بخوایم بعد از نیما ۱۰ چهره شش‌خاص از "شاعران نو" را نام ببریم، بی پرو بر گرد یکی از آنها منوچهر آتشی است که اکنون به عنوان یک چهره فراملی شناخته می‌شود، به‌طوری که همه فارسی‌زبانان علاقه‌مند به شعر و ادبیات در خارج از ایران با آثار این شاعر ارتباط دارند.

وی ادامه داد: منوچهر آتشی آگاهانه، علاقه به ارائه‌ی نمادها، عناصر و تصاویر بومی و محلی نداشتن داده است همین موضوع او را را در بین شاعران معاصر برجسته می‌سازد، به ویژه در شعرهای نخستین این شاعر که همین موضوع از او شاعری صاحب سبک ساخته‌است.

این شاعر و مفقد ادبی در خصوص انتقاد نقدنویسان زمان معتمد آتشی را فاقد جهان‌بینی کافی، روستایی و انزواطلب می‌دانستند، این کرد: این نقد درخصوص منوچهر آتشی پذیرفته نیست اگر بخواهیم توجه به عناصر بومی را در شعر منوچهر آتشی نقد کنیم باید برای مثال اخوان ثالث را نیز به دلیل باستان‌گرایی و استفاده از زبان کهن در شعر نقد کنیم.

معتمد اضافه کرد: تا آخرین روزی که زندگی منوچهر آتشی پایان یافت این شاعر یک لحظه از حرکت باز نایستاد. ضمن آنکه برخی شعرهای آتشی مثل "اسب سفید وحشی" جزء شاکل‌های شعر معاصر است که رنگ و بوی بومی دارد.

وی یادآور شد: رفاقت و معاشرت منوچهر آتشی با بزرگان شعر معاصر، او را به ضرورت تغییر در شیوه شعری، پیگیری شعر معاصر و تغییر زبان واداشت. آثار آتشی در پوشهر محدود می‌شد فرصت ظهور پیدا نمی‌کرد و نمی‌توانست با امکاناتی که در شعر معاصر وجود دارد آشنایی پیدا کند.

این استاد دانشگاه تصریح کرد: معاشرت با بزرگان ادبیات جهان، آتشی را تغییر و جبران بزرگ‌تری را پیش روی او قرار داد که توانست متاثر از آن شعر خود را متحول کند.

معتمد اضافه کرد: آتشی شاعری مستقل در زبان شعری بود و شعرهای او را نمی‌توان تحت تاثیر شاعر خاصی خواند، چرا که در شعرهای آتشی چیزهای است که در شعر دیگران نیست همانطور که در آثار دیگر شاعران نیز همین خاصیت وجود دارد.

وی عنوان کرد: همه شاعرهای هم دوره آتشی پیرو قالب شعر نیما هستند اما آتشی از اندیشه دیگران زبان مستقل خود را دارد.

این شاعر و منتقد ادبی گفت: وجه اشتراک منوچهر آتشی با شاعران هم دوره خود شاید در شکست‌های سیاسی است. در زندگی شاعران دهه ۴۰ دیدگاه چپ‌گرایانه و نگاه به جهان دو قطبی کمونیست، امپریالیسم و رویکرد دوسویالیستی متجلی بوده است.

معتمد گفت: خفقان بعد از کودتای ۲۸ مرداد همه شاعران آن دوره را متاثر کرد اما باز هم همان شکست‌ها در شعر شعرائی وقت خود را نشان می‌دهند و بخشی از شعرها را فرهنگ سیاسی تشکیل می‌دهد. البته شاعری همچون آتشی به همین دلیل هم قابل ارزش‌گذاری است که شعرهای سیاسی‌اش هم بیشتر رنگ و بوی شعر دارد تا شاعر.

وی بیان کرد: در مرور زمان دیدگاه هستی‌شناسانه منوچهر آتشی تغییر کرد. ولی تغییر در نگاه سیاسی روئنبایی در شعر آتشی جلویی ندارد و او هیچگاه آشکارا به مسائل سیاسی موردی ورود نکرده‌است اما اندیشه آتشی روز به روز با سنش پخته‌تر و تغییراتی در شعر و حتی قالب شعریش ایجاد شد به‌طوری که شعرهای آخرین او بیشتر به سمت جهان بزرگ‌تر و فراملی می‌رود.

## فرهنگ و اندیشه:

CultureAndArt@Roozanews.ir

نسیم افشارپور بازیگر فیلم کوتاه «خانه‌بخت» جایزه بهترین بازیگر جشنواره «Route ۶۶» آمریکا را دریافت کرد. به گزارش ایرنا به نقل از روابط عمومی این پروژه، فیلم کوتاه خانه‌بخت به کارگردانی عادل معسوری در دوازدهمین حضور بین‌المللی خوددر جشنواره «Route ۶۶» آمریکا جایزه بهترین بازیگری را دریافت کرد. فیلم کوتاه خانه بخت پیش از این نیز از جشنواره «Symoma» ترکیه جایزه بهترین بازیگری را برای نسیم افشارپور و بهترین فیلمبرداری را برای عادل معسوری به ارمغان آورده بود و همچنین در جشنواره «Jersey Shore» آمریکا، اتربش-Short That Are Not Pants، کانادا، Indie Short Fest آمریکا و ShortFilm Slam آمریکا برای بخش مسابقه انتخاب شده و در این جشنواره ه نامشای داده خواهد شد.



## ۷ فیلم و یک داور از سینمای ایران در جشنواره هند

## موسی اکرمی مدرس فلسفه و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد: (قسمت پایانی)

# استفاده از لقب فیلسوف در معرض خطر حمایت دولتی است

گوبا مشکل فارغ‌التحصیلان فلسفه

غرب حادث تر است و نسبت به فارغ‌التحصیلان فلسفه اسلامی از بازار کار محدودتری برخوردار هستند. بسیار دیده‌ایم که در یک رقابت، هر چند فارغ‌التحصیل فلسفه غرب از توانایی‌های چشمگیری برخوردار بوده، ولی باز هم فارغ‌التحصیل فلسفه اسلامی مورد تأیید قرار می‌گیرد. دلیل این مسئله چیست؟

بلمتأسفانه همین‌طور است با توجه به معیارهایی که برای استخدام وجود دارد، برخلاف شعارهای موجود، تفاوت‌هایی و حتی تبعیض‌هایی قابل می‌شوند. اگر قرار باشد برای یک شغل، دکتری فلسفه، صرف نظر از نوع تخصص، استخدام شود کسی که دکتری فلسفه اسلامی دارد، ممکن است از شانس بس بیشتری برای استخدام برخوردار باشد. بی‌آن که خواهم به فارغ‌التحصیلان دکتری فلسفه اسلامی جسارتی کرده باشم، در توصیف واقعیت موجود دیده شده است که نگرش حاکم بر فضای گزینش فارغ‌التحصیلان دکتری فلسفه اسلامی را اصطلاح «خودی‌تر تلقی می‌کند. البته بگذریم که ممکن است این نگرش افراطی نرزد بعضی از اصحاب گزینش وجود داشته باشد که اصولا با فلسفه میانه خوبی نداشته باشند ولی نوعاً اعتماد به فارغ‌التحصیل در فلسفه اسلامی می‌تواند بیشتر از اعتماد به فارغ‌التحصیل فلسفه غرب باشد مگر آنکه شغل مورد نظر ایجاد کند که تخصص فارغ‌التحصیل در فلسفه غرب باشد. به موضوع دیگری هم باید اشاره کنم که متأسفانه گاهی از فارغ‌التحصیلان دکتری فلسفه اسلامی و فلسفه غرب برای تدریس در زمینه‌های درس عمومی و معارف فلسفی استفاده می‌شود. اگر فارغ‌التحصیلان دکتری فلسفه‌های اسلامی و غرب از روی ناچاری بپذیرند به تدریس این دروس بپردازند، طبیعی است که نوعاً، هم از تباط فارغ‌التحصیلان فلسفه اسلامی با این درس بیشتر است و هم دست‌گام‌های ذریبط اعتماد بیشتری به آنان دارند. فزون بر آنچه گفتیم خود دکتری فلسفه اسلامی هم در یک جامعهٔ اپیدئولوژیک که معیارهای گزینشی خاصی را در استخدام دارد مقبولتر از دکتری فلسفه غرب در زمانه‌هایی است که تخصص چندان اهمیتی ندارد. بنابراین در شرایطی که تخصص برای تصدی یک موقعیت کاری اهمیت شخصی چندان اهمیتی ندارد، نباید این شرایطی که خلیلی زیادی نداشته باشد معمولاً کسانی که فلسفه اسلامی می‌خوانند، وضعیت بهتری برای جذب دارند تا فارغ‌التحصیلان فلسفه غرب.

ای چنین تمایزی به سیستم آموزشی کشور لطمه نمی‌زند؟
به شدت لطمه می‌زند؛ نه تنها به دستگاه آموزشی بلکه به همهٔ زمینه‌های ذریبط دیگر در کشور. یک فارغ‌التحصیل انتظار دارد در جای نسبتاً مناسبی استخدام شود. انتخاب شغل متناسب، حق ارفاد است و دادن شغل متناسب با دانش و شایستگی‌های افراد هم وظیفهٔ دولت و نهادهای زیرمجموعهٔ آن‌اگر شغل مناسب افراد وجود نداشته باشد، یا اگر در استخدام معیارهای گزینشی تبعیض آمیز اعمال شوند، ظلم به فرد و ظلم به جامعه است و هر دو آسیب می‌بینند، هم در زمینه‌های مستقیماً مرتبط با آموزش، هم در زمینه‌های دیگری که به هستی افراد به مثابه شهروندانی که حقوق و وظایفی دارند، دولت هم موظف است متناسب با کم و کیف فارغ‌التحصیلان

شغل ایجاد کند و در استخدام عدالت را رعایت کند و از هر گونه تبعیض بپرهیزد. هر جا پای تبعیض می‌ماند آید نوعاً افراد ناشایست و ناتوان برگزیده می‌شوند و شایستگان نادیده گرفته می‌شوند یا کنار گذاشته می‌شوند و این می‌تواند برای فرد و کلیت جامعه فاجعه به بار آورد.

هم اینک با همهٔ تنگی فضای اشتغال برای فارغ‌التحصیلان فلسفه، به‌طور کلی باز هم روی آوری به سوی فلسفه کم نیست. به‌ویژه فلسفه هنر از جمله رشته‌هایی است که چنین وضعیتی دارد. علاقه‌مندان به این رشته در ایران فراوان است. هم به علت علاقه به خود رشته و هم به علت نبودن مقطع دکتری برای فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد در بسیاری از رشته‌های هنر. دانشجویان به دانشگاه ما می‌آیند و با هر کم و کیفی فارغ‌التحصیل می‌شوند ولی در بسیاری را می‌شناسم که بعد از فارغ‌التحصیلی در دکتری رشته فلسفه هنر نتوانسته‌اند در جایی جذب شوند. این امر منجر به یاس آن‌ها می‌شود. این فارغ‌التحصیلان، هم وقتشان صرف شده و هم پول نسبتاً زیادی را در چند سال تحصیل هزینه کرده‌اند. بدون تردید علایق و امیدهای چنین افرادی بر باد خواهند. به ناچار شغل‌های دیگری را انتخاب می‌کنند که ربطی به مدرک تحصیلی‌شان نخواهند داشت. اشتغال به شغلی که با تحصیلات مناسب نداشته باشد اولاً به طور معمول موجب بیگانه شدن فرد با شغل خود می‌شود؛ ثانیاً فرد در آن شغل کارایی لازم را ندارد؛ ثالثاً آن فرد موقعیت کاری را اشتغال کار کرده است که فرد دیگری مستحق آن بوده و چه بسا ظاهرمانه از چنان موقعیتی محروم شده باشد. این زبان به افراد است. از سوی دیگر نظر به اینکه جامعه از اشتغال شایستگان در مشاغلی برخوردار نمی‌شود دچار آسیب می‌شود. چگونه می‌توان به مسئولان ذریبط فهماند که یکی از علل مهم مشکلات گوناگون کشور در زمینه‌های گوناگون هم‌گردان افراد ناشایست از نظر دانش و توانایی و وظیفه‌شناسی در مشاغل گوناگون است؟



در خصوص فلسفه نیز باید گفت که عموماً موضوعی پول است که یک شخص را به سمت این رشته کشانده است. معمولاً وجود و حقیقت‌جویی یک فرد را به سمت این رشته سوق می‌دهد. کمتر کسی است که از به حادثه یا از سر ناچاری به تحصیل در فلسفه بپردازد. چنین کسی چه قبلاً از مطالعات فلسفه برخوردار بوده باشد و چه بعداً با مطالعهٔ فلسفه بپردازد، خواه ناخواه داخل فضای دل‌انگیز فلسفه می‌شود و بوهای روح‌افزای گلهای گلستان فلسفه به مشامش می‌رسند و همشنینی با فیلسوفان در آن اثر می‌کند و شخصیشمان که هم از آغاز پرورش ویژه‌ای داشته است، پرورش بیشتری می‌یابد. دانشجوی فلسفه آرام آرام درمی‌یابد که فیلسوفان سودای تعبیر جهان و تغییر جهان را داشته‌اند و در این دوزمینه اندیشه‌ورزی و حتی کنشگری کرده‌اند. از نظر روحی و احساسی، مورد پسند چنان فارغ‌التحصیلانی نباشند. فارغ‌التحصیلان فلسفه و آگاهانه با ناآگاهانه خود را شاکرد سقراط و پیرو یاس آن‌ها می‌شود. این فارغ‌التحصیلان، هم وقتشان صرف شده و هم پول نسبتاً زیادی را در چند سال تحصیل هزینه کرده‌اند. بدون تردید علایق و امیدهای چنین افرادی بر باد خواهند. به ناچار شغل‌های دیگری را انتخاب می‌کنند که ربطی به مدرک تحصیلی‌شان نخواهند داشت. اشتغال به شغلی که با تحصیلات مناسب نداشته باشد اولاً به طور معمول موجب بیگانه شدن فرد با شغل خود می‌شود؛ ثانیاً فرد در آن شغل کارایی لازم را ندارد؛ ثالثاً آن فرد موقعیت کاری را اشتغال کار کرده است که فرد دیگری مستحق آن بوده و چه بسا ظاهرمانه از چنان موقعیتی محروم شده باشد. این زبان به افراد است. از سوی دیگر نظر به اینکه جامعه از اشتغال شایستگان در مشاغلی برخوردار نمی‌شود دچار آسیب می‌شود. چگونه می‌توان به مسئولان ذریبط فهماند که یکی از علل مهم مشکلات گوناگون کشور در زمینه‌های گوناگون هم‌گردان افراد ناشایست از نظر دانش و توانایی و وظیفه‌شناسی در مشاغل گوناگون است؟

پس من باید خوش شانس باشم که با فوق لیسانس فلسفه، یک‌خبر نگاری حق‌التربری پار ه وقت، با حقوق زیر خط فقر دارم!

متأسفانه همین‌طور است! البته خبرنگاری به خودی خود می‌تواند برای یک فلسفه‌خوانده جذاب باشد و چنین کسی در خبرنگاری نقش فعال و مثبتی ایفا کند. ولی اولاً انتخابش نباید از روی ناچاری باشد، ثانیاً باید از ثبات و امنیت شغلی و حقوق خوب برخوردار باشد. به هر حال من کسانی را می‌شناسم که با مدرک فلسفه در مقطع دکتری یا کارشناسی ارشد در به در دنبال کار هستند. در نهایت یا بیکار می‌مانند، یا مجبور می‌شوند کارهایی را بپذیرند که نه ربط چندانی به مدرک و تحصیلشان داشته باشند و نه از ثبات لازم و درآمد کافی برخوردار باشند؛ حتی ممکن است از نظر حیثیت اجتماعی، مورد پسند چنان فارغ‌التحصیلانی نباشند. فارغ‌التحصیلان فلسفه و آگاهانه با ناآگاهانه خود را شاکرد سقراط و پیرو فیلسوفان می‌دانند که از شأن برجسته‌ای در تاریخ برخوردارند. آنان هر گاه به جایگاه مناسبی دست نیابند در خلوت خود می‌اندیشند که قرار بود با تحصیل فلسفه حقیقت را پیگیری کنند ولی گرفتار چنین فرجامی شده‌اند. این گونه‌ای وضع تراژیک است.

**افزادی کسه فلسفه خوانده‌اند، ممکن است در محیط کاری که چندان با رشتهٔ تحصیلی‌شان هم‌سوخ نباشد، با سایر هم‌کاران دیگر به مشکل بر خورد کنند. اختلاف نگاه و ایده و شیوه‌ی پیش بردن کار، در چنین مواردی به شدت به چشم می‌آید. دلیل این تفاوت‌نگاه چیست؟**

همان‌گونه که گفتیم اکثریت کسانی که فلسفه می‌خوانند، آگاهانه این رشته را انتخاب کرده‌اند. در سایر رشته‌ها ممکن است جذب‌ه مالی منجر به انتخاب رشته (مثلاً رشته مهندسی) شده باشد. اما در فلسفه تقریباً چنین نیست، می‌توان با یک

پنجاه و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم هند (گوا) میزبان ۸ فیلم و یک داور از سینمای ایران خواهد بود. به گزارش ایسنا، پنجاه و دومین جشنواره فیلم هند (گوا) که از قدیمی‌ترین جشنوارهای سینمایی در آسیاست از دیروز ۲۰ نوامبر (۲۹ آبان) کار خود را آغاز کرد و در طول ۸روز برگزار ی ۲۸ نوامبر (۷ آذر) در مجموع میزبان نمایش ۶۲۴ فیلم از ۹۵ کشور جهان خواهد بود. فیلم «فهرمان» ساخته اصغر فرهادی فیلم اختتامیه جشنواره فیلم هند (گوا) بود و در کنار آن فیلم سینمایی «غیبت» ساخته علی صفصا محصول مشترک ایران، چک و اسلواکی، «پدران» ساخته سالم صلواتی و «خورشید آن ماه» به کارگردانی ستاره اسکندری در بخش پانورامای جهان، «کشتن خواجه» ساخته عبد آبست در بخش مدال یونسکو گاندی، «مامان» به کارگردانی آرش انبسی در بخش رقابتی فیلم‌های اول و «روسری آبی» ساخته رخشان بنی‌اعتماد نیز در بخش آثار داوران این رویداد سینمایی به‌نمایش گذاشته خواهد شد.

## خبر

## تحقق آرزوی احمد رضا احمدی و حسرت نبودن داود رشیدی

احمد رضا احمدی اواخر دهه هشتاد نمایشنامه‌هایش را گردآوری کرد و آنها را به چاپ رساند. انتشار نمایشنامه‌های آقای شاعر برای بسیاری از دوستان‌ران و دوستانش اتفاقی خسته بود. آنان حالاً می‌توانستند با وجود دیگری از هنر این شاعر نمدار آشنا شوند. یکی از این دوستان هم داود رشیدی بود. هنرمند با سابقه تئاتر کشورمان که همیشه پیگیر نمایشنامه‌های تازه فارسی و فرانسوی بود.

نمایشنامه آقای شاعر ویژگی‌های خاصی داشت و احمد رضا احمدی هم که دوست دیرین رشیدی بود. پس جای درنگ نبود و آقای کارگردان برای اجرای این نمایشنامه با دوست شاعر خود گفتگو کرد و قول و قرار اجرا گذاشته شد.

اوایل دهه ۹۰ این موضوع به صورت رسمی در رسانه‌ها هم منتشر شد. حالا یک مساله مهم مانده بوده پیدا کردن بازیگر نقش شاعر برای بازی در این نمایش.

امادبدین یک فیلم کوتاه، کار هر دوست را آسان کرد. احمدی بلافاصله بازیگر این فیلم را برای بازی در نقش شاعر مناسب یافت. رشیدی هم خودش اولین تماس را گرفت و کورش سلیمانی را برای بازی در این نمایش دعوت کرد. تجرب‌های که می‌توانست برای این بازیگر، پر از شادکامی باشد اما گویی دایره قسمت بر وفق مراد آنان نچرخید و اجرای این نمایش میسر نشد.

با این همه، فکر و دل کورش سلیمانی پیش این نمایش و این نقش ماند تا جایی که بعد از حدود یک دهه، خودش آستین‌ها را بالا زد تا این نمایشنامه را روی صحنه بیاورد. در این بازیگر و پر از شادکامی باشد اما گویی دایره قسمت بر وفق مراد آنان نچرخید و اجرای این نمایش میسر نشد.

با این همه، فکر و دل کورش سلیمانی پیش این نمایش و این نقش ماند تا جایی که بعد از حدود یک دهه، خودش آستین‌ها را بالا زد تا این نمایشنامه را روی صحنه بیاورد. در این بازیگر و پر از شادکامی باشد اما گویی دایره قسمت بر وفق مراد آنان نچرخید و اجرای این نمایش میسر نشد.

با این نمایشنامه بود، در این سال‌ها چند متن دیگر روی صحنه برد ولی این نغدغه دست از سرش بر نمی‌داشت تا اینکه سرانجام امسال بخت این نمایشنامه باز شد و حالا در آستانه اجراست. او ادامه می‌دهد، در تمام مدتی که روای اجرای این نمایشنامه را داشت، آقای احمدی هم دوست داشتند نمایشنامه‌هایشان روی صحنه بروند و همین جرقه اولیه اجرای این نمایشنامه شد. سلیمانی می‌گوید: از نظر روحی و احساسی، مورد پسند چنان فارغ‌التحصیلانی نباشند. فارغ‌التحصیلان فلسفه و آگاهانه با ناآگاهانه خود را شاکرد سقراط و پیرو فیلسوفان می‌دانند که از شأن برجسته‌ای در تاریخ برخوردارند. آنان هر گاه به جایگاه مناسبی دست نیابند در خلوت خود می‌اندیشند که قرار بود با تحصیل فلسفه حقیقت را پیگیری کنند ولی گرفتار چنین فرجامی شده‌اند. این گونه‌ای وضع تراژیک است.
طبعاً در روایتی با مسائل خرد و کلان مرتبط با تعبیر و تغییر جهان و انسان رویکرد مسئولانه و منطقی‌ای باید داشته باشد. پس معمولاً در عموم مباحث مطروحهٔ احتمالی، یک فارغ‌التحصیل و دانشجوی فلسفه یا یک فلسفه‌خوانده تا حد زیادی، هم اخلاق بحث و گفتگو و نقد و بررسی را رعایت می‌کند و هم تفکری تحلیلی و منطقی و تحلیلی دارد. ضمن اینکه به آسانی و به سادگی هر چیزی را نمی‌پذیرد و در چار چوب همان نگرش‌های تحلیل و منطقی و توجه به دیدگاه‌های گوناگون می‌تواند نسبت به بسا کسان با اشرف و و متانت و درک بیشتری از پدیده‌ها داشته باشد.

## مفقودی

بروانه بهدشتی بهره برداری دلماری به شماره ۱۷۴۴ تاریخ ۱۳۹۵/۰۸/۲۶ به نام شاپور فتحی لکلو فرزند قربانعلی به شماره شناسنامه ۲۱۲ صادره از ملکان به کد ملی ۰۵۰۸۹۹۲۳۴۴ و ۵۰۰۸۰۰۸۰۶۳۱ بر برداری ۱۰۶۳۱-۰۴۰۷۰۱۹۱۴ بنام شاپور فتحی لکلو مفقود گردیده فاقد اعتبار است.ملک‌نامه نشانی استان آذربایجان شرقی – شهرستان ملکان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

ملکان

## مفقودی

سند کارخانه وبرگ سبز موتورسیکلت احسان تریل ۱۵۰ بشماره پلاک ایران ۷۵۴۸۸-۷۷۹۰وشماره موتور۲۳۱۵۰۲۵وشماره شاسی ۱۱۰۵۱۷-۹۱۱۰بنام سیداحمد رضا گلیانی مفقودگردیده وازدرجه اعتبار ساقط می باشد

شیروان

### مفقودی

آقای علی اکبروطن دوست مالک خودروی سواری پژو پارس بشماره پلاک ایران ۲۶-۳۲۷۰۸۱وشماره شاسی ۱۰۱CA۱۹E۷۴۳۷۰۱۰ANANوشماره موتور ۱۷۱۸۷۱۸۱۲۴،بعلت فقدان اسنادفروش تقاضای رونوشت‌المثنی اسنادمذکور راموده است لذاهرکس درمورد خودروی مذکور ادعایی دارد ظرف مدت ده روز بادرست داشتن مدارک به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع دربیکانهتر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از اقبضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهدشد

شیروان

## مفقودی

برگ سبز موتورسیکلت توس۱۲۵بشماره پلاک ۱۶۸۱۹-۷۷۶۰وشماره موتور ۰۲۳۶۵۵N۳N۰۱۲۵وشماره تنه ۱۲۵E۹۵۷۴۵۷N۳Nوشماره بنام محبوبه شبان پوراوقر مفقودگرد دیده وازدرجه اعتبار ساقط می باشد

شیروان

## مفقودی

برگ سبز وکارت خودروی سواری پراید ۱۱۱بشماره پلاک ایران ۲۶-۴۱۸ص۴۸وشماره موتور ۵۲۲۴۳۷۰۵۲۳۱۵وشماره و شماره شاسی ۵۵E۷۹۹۸۵۶NAS۴۳۱۱۰۰بنام سیدحسین هاتفی شیروان مفقودگردیده وازدرجه اعتبار ساقط می باشد

شیروان

## مفقودی

برگ سبز خودرو سواری سمند تیب ال ایکس مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید-روغنی و شماره پلاک انتظامی ۳۳۸ ص ۷۴ ایران ۳۵ و شماره موتور ۱۳۵۶۹۱۳۸۹۱۲۴ و شماره شاسی ۱۳۸۹۱CCYAF۸۳۱۷۸۰NAACمفقود گردیده فاقد اعتبار است.

ملکان